

بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکانه

نفیسه گلستانی* - پژوهشگر دوره دکتری معماری، گروه هنر و معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
محسن کمالی - کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، پردیس علوم تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.
محبوبه روشن - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

ایجاد یک فضای شهری برای رفاه کودکان مستلزم توجه به تنوع موضوعات برنامه ریزی و طراحی شهر است. یک فضای هدایت شده نشان می دهد که چگونه با بازطراحی شاخصها و بکارگیری صحیح آنها می توان فضاهای شهری دوستدار کودک ایجاد نمود. فضاهای هدایت شده می توانند در مسیری طراحی شوند که موانع دسترسی مستقل کودکان را کاهش دهند و این در راستای برنامه ریزی برای ایجاد شهردوستدار کودک است. در این میان توجه به مشارکت کودکان در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهرها از مهمترین موضوعات در زمینه شهرهای دوستدار کودک است که موضوع مقاله حاضر را تشکیل داده است. در ضمن بررسی ابعاد روان شناختی محیط کودکان در قالب نگاهی به روانشناسی محیطی نیز مورد نظر بوده است. روش تحقیق مقاله «توصیفی- تحلیلی» و روش «فراتحلیل» است که از پیمایش محیطی و مشارکتی کودکان برای ارائه الگوی مشارکت و بسترسازی برای آن استفاده کرده است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی، ارائه تعاریفی در باب مشخصات شهرهای دوستدار کودک و مشارکت کودکان در امور شهری، با توجه به روند مشارکت کودکان در پروژه های شهری، راهکارهایی جهت ارتقاء مشارکت کودکان و نوجوانان در شکل گیری فضاهای شهری ارائه شده است.

واژگان کلیدی: شهر دوستدار کودک، مشارکت، الگوهای مشارکتی، برنامه ریزی شهری

A Study of the Involvement of Children in design and urban planning; whit emphasis on children's psychology

Abstract

Create an urban space for children's welfare requires attention to a variety of planning and design of the city. A guide shows how to redesign the parameters and correct use of child friendly spaces can be created. Guided spaces can be designed in a way that children reduce barriers to independent access. And this is in line with a plan to make the city ideal for children. The participation of children in the planning and urban planning is the most important topics in the field of child-friendly cities. The subject of the present article is formed. Research methodology is descriptive - analytical and meta-analysis method that uses environmental scanning and participation of children and paving the way for its participation model has to offer. For this purpose, using the analytical method - descriptions, definitions of the characteristics child friendly cities and the participation of children in urban affairs with regard to the involvement of children in urban projects, strategies to promote the participation of children and adolescents in the formation of urban spaces provided.

Keywords: child friendly city partnership, the coopera-

ایجاد محیطی مناسب برای کودکان هزینه چندانی را دربرنمی‌گیرد و تنها نیاز به آگاهی، توجه و احساس مسئولیت در مسئولان و متخصصان دارد. علاوه بر این باید گفت که؛ مشارکت حق بنیادی شهروندی است و موجب رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان می‌گردد. استفاده از سیاست‌های دوستدار کودکان و جوانان ابزار مؤثری برای تحقق نیازهای متغیر اجتماعات شهری است. آن دسته از دولت‌های محلی که از سیاست‌های دوستدار کودکان و جوانان استفاده و درخصوص آن‌ها تحقیق می‌نمایند و در واقع بر روی سلامت و پایداری بلندمدت شهرهای خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند زمانی که نهادها و دولت‌های محلی از مشارکت فعال و کامل جوانان در توسعه شهرها حمایت می‌کنند، عملاً ارتقای کل جامعه را تضمین می‌نمایند. واقعیت این است که مدت زیادی نیست که شهروندی کودکان در مقیاس جهانی جدی گرفته می‌شود. در پی نشست جهانی کودک در سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ جلسه ویژه‌ای برپاداشت که طی آن به کشورهای مختلف جهان توصیه شد نسبت به تهیه و ارائه طرح‌های ملی با هدف بهبود وضعیت کودکان

«مکان‌دوستی» مفهومی است که در آن دو مفهوم «کودک» و «مکان» از دو جنبه «کاربردی» و «پدیدارشناسی» قابل تأمل است. از لحاظ کاربردی، «محیط دوستدار کودک» به کودک امکان می‌دهد تا «پتانسیل‌ها و قابلیت‌های مکان» را محقق سازد و از جنبه پدیدارشناسی این تعاملات به واسطه کاربرد روزانه به کودک امکان می‌دهد تا «احساسات و عواطفش را در مورد مکان بسط داده» و نقش جدید برای مکان و خود، به واسطه کاربرد مکرر و تحقق قابلیت‌های مکان تصور نماید.^۱ دین مبین اسلام نیز به کودکان و حقوق آنان توجهی ویژه داشته است.^۲ از سویی دیگر، در شهرهای امروز مسئولان و شهرسازان ایجاد تسهیلات و مناسب‌سازی محیط را برای این گروه از شهروندان نادیده گرفته‌اند، کودکان از نظر «جسمی» - به خاطر کوچک بودن در مقایسه با یک فرد بزرگسال - و هم از نظر «روحي» - به خاطر عدم آگاهی و شناخت نسبت به خطرات موجود در محیط - آسیب پذیرتر هستند. مناسب‌سازی محیط برای کودکان، نشانگر احساس مسئولیت جامعه نسبت به آنهاست و موجب آموزش و مسئولیت‌پذیری در کودک و نوجوان می‌شود.

۱. هرچند مکان‌های دوستدار کودک یک ضرورت مطلق برای رشد کودکانمان نیستند، ولی به عنوان یک مزیت اصلی منجر به سلامتی فیزیکی و روانی آنها می‌شود. شاید به این دلیل است که یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار را نیز کسب تجارب زندگی توسط خود کودکان از طریق مشارکت فعالشان در محیط می‌دانند که این مشارکت با علم به حساسیت منحصر به فرد محیطی کودکان بر مبنای درک و ارزیابی کودکان در محیط پیرامون - اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و روان‌شناختی - است. از جمله حقوق کودکان، حفظ بهترین منافع آنها در تمامی جوانب حیات است و مکان دوستدار کودک این حق را در آنها ارتقاء می‌بخشد.

۲. اسلام، بیش از مکتب‌های دیگر، برای کودکان - این گروه آسیب‌پذیر جامعه - حقوق قائل شده است، زیرا با رعایت این حقوق، آینده کشور با وجود انسان‌های شایسته، تضمین خواهد شد. در کنوانسیون حقوق کودک، بیشترین مسئولیت در رعایت حقوق کودک بر دوش والدین نهاده شده است، چنان‌که در ماده ۱۸ کشورهای طرف کنوانسیون متعهد شده‌اند: «بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل که پدر و مادر کودک، مسئولیت مشترکی در زمینه رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل آورند. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را در رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند و اساسی‌ترین مسئله آنان، (حفظ) منافع عالیه کودک است. در آموزه‌های آسمانی اسلام نیز بیشترین مسئولیت در قبال کودک، بر دوش والدین است که به آن «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ» می‌گویند؛ زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی کرده است. از این‌رو، قدر و جایگاه آن را باید بدانیم و به وظایف خود در برخورد با این نعمت الهی عمل کنیم در غیر این صورت، عاقبت فرزندان خواهیم بود.

توجه کنند. از طرف دیگر علی‌رغم تفاوت‌های اقتصادی موجود، با بهره‌گیری از ویژگی مذکور - اخلاق مشارکتی - طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌بایست در کنار کارکردهای سایر نهادهای مدنی همچون خانواده، مدرسه، مراکز فرهنگی و امنیتی، بهداشتی، اقتصادی همگام شده و فضاهای محله، ناحیه، منطقه و مکان‌های عمومی شهری را برای حضور و تحرک کودکان شهر، ایمنی بخشد.^۳ در واقع طراحان شهری با حضور و مشارکت شهروندان از جمله کودکان و نوجوانان، موظف به ایجاد فضا و مکان و محیطی شایسته همانند شهر دوستدار کودک یا شهر کودک پسند هستند تا آسیب‌های فرهنگی کاهش یابد. در این مقاله به مفهوم «شهرهای دوستدار کودک» و ایجاد فرایندهای مشارکت کودکان در فرایند برنامه‌ریزی شهری و طراحی آن پرداخته می‌شود.

شهر دوستدار کودک

هدف از ره یافت «شهر دوستدار کودک» و یا طراحی شهر برای کودک، ضمانت حقوق کودکان در زمینه‌های مختلف شهری می‌باشد. امروزه بیش از یک سوم جمعیت جهان زیر هجده سال سن دارند و این گروه بخش مهمی از جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که این گروه اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های شهری از سوی تصمیم‌گیران و مدیران شهری نادیده گرفته می‌شوند. امروزه در محیط‌های شهری ایجاد محیطی که مورد رضایت کودکان باشد و برای آنان دارای مطلوبیت باشد، مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته و از این رو ضرورت دارد تا با بررسی ادبیات مربوطه، شاخص‌های مهم شهر دوستدار کودک مورد ارزیابی قرار

گیرد تا ضمن مشخص شدن نحوه تأثیرات و وضعیت آنان، به بازطراحی شاخص‌های شهر دوستدار کودک پرداخته شود. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و محیطی شهرهای ایران با دیگر شهرهای جهان بایستی شاخص‌های دوستدار کودک باید برای مطالعه بومی سازی شود.

اعلامیه جهانی حقوق کودک در ماده یک کودک را کسی می‌داند که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد (پیام یونسکو، ۱۳۷۱، ص ۴۰). شهر دوستدار کودک محیطی است که در آن کودکان خواسته‌های خود را بیان کرده و بر مسائل مربوط به خودشان بتوانند تأثیرگذار باشند (Smith, ۲۰۰۸). ایجاد یک محیط مساعد برای کودکان مستلزم طراحی یک شهر است که بطور فیزیکی احتیاجات توسعه‌ای کودکان را رفع نماید و این مستلزم شناخت و باز طراحی شاخص‌های موثر بر شهر دوستدار کودک است؛ شهر دوستدار کودک، سیستمی از مدیریت محلی

خوب است که در آن نظام محلی متعهد به اجرای حقوق کودکان و نوجوانان باشد. در این شهرهای مدیران تضمین می‌نمایند که کودکان را در اولویت قرار داده و آنها را در فرآیند تصمیم‌سازی درگیر نمایند. سیاست‌ها، فرآیندها و سایر روندهای برنامه‌ریزی شهری یک رویکرد عمومی محسوب می‌شود. در این رویکرد، طیف گسترده‌ای از احتیاجات شهروندی مدنظر قرار می‌گیرد. بسیاری از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی مثل کودکان، جوانان یا افراد سالخورده احتیاجات خاصی دارند که باید در خط مشی برنامه‌ریزی بطور مناسب لحاظ گردد؛ در حالی که شهر دوستدار کودک، بخشی از ادبیات شهرسازی در سالهای اخیر را

۳. از بعد فرهنگی، خلق معنای دوستی کودک با مکان صرفاً در مشابهت‌های ادراکی، فیزیکی یا اجتماعی مکان‌ها نیست، بلکه در حالت ایده‌آل مبتنی بر تجربه کودک و تصورات و طروحات‌های مشترک کودک از لحاظ فرهنگی با مکان است. اینکه کودکان با برخی محیط‌ها قرین و عجین هستند، اشاره به برخی قابلیت‌های ذاتی محیط‌ها دارند که به ارضای برخی نیازها و خواست‌های کلیدی کودکان نیز منجر می‌شود. معنای هویت نیز زاینده هزاران واکنش شخصی در مقابل هزاران نوع از جنبه‌های نفوذی محیط است. هنگامی که خواسته‌ها و تمایلات و محرک‌های یک کودک با قوای محیطی‌اش ارتباط پیدا می‌کند، هویت وی به منصه ظهور می‌رسد. لذا معنای هویت را نیز می‌توان شائبه‌ای از عرصه‌های پرورشی دانست.

جدول ۱. گروه سنی کودکان، فعالیتها و بازی های مطلوب - که در شهر دوستدار کودک - باید لحاظ شود؛ ماخذ: نگارندگان.

گروه سنی	فعالیت های مربوط به صدا	فعالیت های بدنی	فعالیت های هنری	بازی های داخل یا خارج از خانه و بازدید
۳-۵ سالگی			تهیه آلبوم و جمع آوری تمبر، سکه و استفاده از آلات موسیقی	جمع آوری گونه های برگ و ایجاد دفتر گل برای کودک که بتواند کارهای بزرگسالان را تقلید کند
۵-۷ سالگی	آوازخوانی، قصه خوانی، سرود خوانی	بازی های پر جنب و جوش مثل گرگم به هوا در گروه های کوچک	نقاشی روی مدل و اجرای نمایشنامه های ساده	نگهداری از گل و گیاهان و حیوانات اهلی، عروسک بازی و بردن کودکان به سینما و موزه
۷-۹ سالگی		بازی های پر جنب و جوش در گروههای بزرگتر	نقاشی با موضوعات آزاد و تجسمی، آموزش خط، کاردستی با کاغذ و قیچی یا نجاری با ابزار ساده و اجرای نمایشنامه	بازدید و گردش علمی و تفریحی در طبیعت و بازدید از آسمان نما. موزه و سینما، نگهداری گل و حیوانات اهلی
۹-۱۱ سالگی		بازی های پر جنب و جوش، مثل فوتبال و وسطی	کارهای دستی ظریف تر از نقاشی انتزاعی، اجرای نمایشنامه	بازدید از سینما و تئاتر و گردش علمی و مطالعه روی گیاهان و حشرات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۵۶

مشارکت کودک و برنامه ریزی شهری

به خود اختصاص داده است. پرداختن به اصول و معیارهای شهر دوستدار کودک نیازمند پژوهش و بومی سازی شاخص های آن می باشد. این در حالی است که امروزه کودکان به عنوان یک گروه اجتماعی آسیب پذیر در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای شهرها مورد توجه قرار نمی گیرند و یا حتی می توان گفت به دست فراموشی سپرده می شوند. در جدول شماره ۱ گروه های سنی و فعالیت های مربوط به هر گروه سنی که بایستی در طراحی و طرح ریزی بازی های کودکانه موردتوجه قرار گیرد، مورد اشاره قرار گرفته است:

طراحان شهری و برنامه ریزان علاوه بر توجه به مواردی مثل ارزش کاربری زمین باید به ارزشهای احساسی، عاطفی و روانی افراد بویژه گروه های خاص مانند کودکان نیز توجه کنند. پژوهشها نشان می دهد که جوانان و کودکان در قرن گذشته به طور چشمگیری از لذتها و بهره مندی از محله های خود محروم بوده اند. تحقیقات «گستر» در سال ۱۹۹۹ مشخص کرد که در مورد استفاده کودکان از فضاهای شهری روی بزرگسالانی که در فاصله سالهای ۱۹۱۵ تا ۱۹۷۶ که در یکی از محله های شهر نیویورک رشد کرده بودند، افزایش

جدول ۲. ابعاد مرتبط با شهر دوستدار کودک و محققین؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

ابعاد مرتبط با شهر دوستدار کودک	محققین
استقلال و تحرک	(2006 Freeman), (2000 O'Brien et al, 264 p, 2000) Malone, (2007) Tranter (121 p, 2006)
ایمنی و امنیت	(2004 Davis and Jones, 2007 Leonard; 2000 Harden) (2006 Valentine & Roe, 2006 Jenkins)
دسترسی	(1997, Sandford Group), (1997 Valentine; 1996 Moore) 2002, Hart; 2008, Gill; 2001, Tranter and pawson; 1991, Gaster
تعاملات اجتماعی	(2001, Heywood), 2002, Chawla, (1996, UNCHS)

در شهر بم دانست. پس از زلزله سال ۱۳۸۲ در بم، سازمان یونسف با همکاری دیگر نهادهای، پروژه شهر دوستدار کودک را با هدف مشارکت جمعی بچه ها تعریف و آن را هدف گذاری نمودند. عمده اهداف در این رابطه «تقویت مشارکت کودکان» بود: باید به بچه ها فرصت داد تا درباره محیط اطراف تصمیم گیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم گیری بچه ها را دخالت داد. عوامل تاثیرگذار بر آن عبارت بودند از:

۱. «بالا بردن آگاهی اجتماعی»: برای تقویت احترام به حقوق بچه ها باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابد.
۲. «توجه به نیازهای بومی»: در این طرحها باید به نیازهای خاص بچه ها، خانواده ها و اجتماع توجه کرد.
۳. «توسعه استراتژیهای شهری برای بچه ها»: دولت و بخشهای قانونگذار باید به نیازهای شهری بچه ها مانند تأمین ایمنی، و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
۴. «بودجه های سازمانی بچه ها»: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می توانند در تأمین بودجه طرحها را یاری برسانند.
۵. «تقویت مشارکت»: بالا بردن انگیزه های تمامی

موانع تحمیلی از طرف والدین، کاهش در کمیت و کیفیت اماکن مورد استفاده کودکان و افزایش در تعداد محدودیت های محیطی را نشان می داد. برای بسیاری از برنامه ریزان، معماران و مقامات دولتی، کودکان به ندرت به عنوان گروه دارای حقوق به حساب می آیند بنابراین به هنگام تضاد منافع در فضای عمومی، به ندرت اولویت به نیازها و تمایلات کودکان داده می شود. همین امر موجب جدایی و محرومیت کودکان از فضاهای عمومی شده است. یک مطالعه بزرگ شدن شهرها اثباتی بر این مدعاست، که نتایج آن نشان دهنده احساس بیگانگی کودکان با محیطهای اطرافشان است (Frank, ۲۰۰۶, p: ۱۳۵).

ایجاد یک فضای شهری برای رفاه کودکان مستلزم توجه به تنوع موضوعات برنامه ریزی و طراحی شهر است. یک فضای هدایت شده نشان می دهد، چگونه با بازطراحی شاخص ها و به کارگیری صحیح آنها می توان فضاهای شهری دوستدار کودک ایجاد نمود. فضاهای هدایت شده می توانند در مسیری طراحی شوند که موانع دسترسی مستقل کودکان کاهش دهند و این در راستای برنامه ریزی برای ایجاد شهر دوستدار کودک است، می تواند شهر را به شهری تبدیل کند که برای سایر گروه های اجتماعی نیز مناسبتر باشد. مهمترین اقدامات در زمینه شهر دوستدار کودک در ایران را می توان

گروههای دینفع در بالابردن و تقویت مشارکت همه.

۶. «ظرفیت سازی»: بالابردن امکانات و توانایی ها و توسعه بالقوه ظرفیتها برای نسلهای آتی بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روشهای مشارکت (کاملنیا و حقیر، ۱۳۸۸).

دو دلیل عمده برای مطرح کردن موضوع شهر دوستدار کودک عبارتند از:

۱. اول اینکه کودکان نیازهای خاص و متفاوتی دارند و در عین حال از گروههای سنی دیگر نیز حساس تر هستند و

۲. دلیل دوم، نیازهای مشترکی است که کودکان جامعه دارند.

«برایان» معتقد است، برای ایجاد شهرهای دوستدار کودکان باید گام های لازم برای افزایش کیفیت زندگی کودکان و کاهش اختلافات بین کودکان و بزرگسالان در استفاده از شهر برداشته شود. اساساً هدف شهر دوستدار کودک برآوردن حقوق تمام کودکان شهر است تا بتوانند در تصمیمات شهرشان تاثیر گذار باشند، نظرات خود را در مورد شهر مطلوبشان بیان کنند، به راحتی بتوانند در مسیرهای پیاده-روی شهری قدم بزنند، با همسالان خود با آسودگی بازی کنند، در مسائل اجتماعی و فرهنگی مشارکت نمایند، با سایر شهروندان از لحاظ دسترسی به خدمات از برابری برخوردار باشند (Reggie, ۲۰۰۲, p. ۴۸).

سیاستهای کلی در برنامه ریزی شهر برای کودک عبارت است از:

۱. «ایجاد مکان‌هایی برای فعالیت آزاد کودکان»: یکی از راهکارهای موفق در بحث تعامل کودکان با فضاهای باز شهر، ایجاد مکان‌هایی جذاب برای کودکان است.

۲. «طبیعت و ارزش آن در بازی کودکان»: از آنجایی که کودکان دنیای اطراف خود را نوعی زمین بازی تصور می‌کنند؛ طبیعت، بستر مناسبی است که می‌تواند آنها را ساعت‌ها به خود مشغول

سازد. دلیل این امر، سه کیفیت محیط طبیعی شامل: تنوع تمام‌ناپذیر، انسان ساخت نبودن آنها و حس جاودانگی و پایان‌ناپذیری است (۲۳:۲۰۰۴ Fjortoft). از این‌رو، روانشناسان محیط واژه «بیوفیلیا» را برای این حس طبیعت دوستی به کار می‌برند. بدین معنا که انسان به طور وراثتی و از لحاظ بیولوژیکی وابسته به طبیعت است و توجه و یا عدم توجه به این حس طبیعی احساسات مثبت و منفی را در انسان‌ها ایجاد می‌کند (Ibid, ۲۳). ۳. «ایجاد تعادل میان نظم و بی‌نظمی»: به عقیده «آلبرت انیشتین» جامعه بشری همواره به وسیله دو چیز در حال تهدید است: یکی نظم و دیگری بی‌نظمی (۱۰۶:۲۰۰۴ Blinkert). در شهرهای مدرن امروزی، تمایل به ایجاد نظم به طور روزافزونی به دو دلیل در حال افزایش است: یکی افزایش تفاوت‌ها و به دنبال آن نیاز به استانداردهای و دیگری افزایش قوانین دست و پاگیر. به نظر می‌رسد، آنچه در حال حاضر زندگی کودکان ما را تهدید می‌کند، بیش از آنکه بی‌نظمی باشد، نظم و قوانین دست و پاگیر است. قوانینی نظیر نحوه و امنیت استفاده از وسایل بازی. اینکه در چه مکانی و چه زمانی بازی کنند. به گفته خود بچه‌ها، شهرهای امروزی جنگلی از قوانین هستند. به بیان دیگر، شهر مدرن با قوانین خشک، باعث از بین رفتن فضاهای خودساخته توسط کاربران، از جمله کودکان، می‌شود. زمین‌های قراردادی بازی با وسایلی نظیر تاب و سرسره، نوعی زمین بازی از پیش تعیین شده است که اگرچه کاملاً برای کودکان آشنا و شناخته شده، ولی فاقد ارزش‌های شناختی و بازی‌های اجتماعی متناسب با رشد کودکان می‌باشد و تنها قادر است که کودکان را به مدت ۱۴ دقیقه سرگرم نماید. صاحب‌نظران نوع جدیدی از زمین‌های بازی را پیشنهاد می‌کنند که با انعطاف‌پذیری در مقابل خواست کودکان، در رشد جسمی، اجتماعی و شناختی آنان از محیط تأثیرگذار باشد. از آنجایی که این زمین‌ها یک ایده آماده را

انتقال نمی‌دهند و کودکان را مجبور به کشف یا تولید فی‌البداهه می‌کند، لذا در رشد همه جانبه و پرورش خلاقیت آنها بسیار ارزشمند هستند. به عبارت دیگر، خاصیت این زمین‌ها جایگزینی قوانین با نوعی بی‌قانونی و بی‌نظمی است.

مشارکت کودکان و طراحی شهری

امروزه توجه بسیاری از کارشناسان و شهروندان به حضور موثر بخشی از جمعیت ساکن در مناطق شهری جلب شده است که در عمل در گذشته فراموش شده بوده‌اند. این گروه جمعیت ۸ تا ۱۸ ساله‌اند که عمدتاً در سن تحصیل به حساب می‌آیند و در نتیجه خارج از عرصه مشارکت اجتماعی فرض می‌شوند. با این استدلال که سرگرم تحصیل و کسب علم و دانش‌اند و فرصت پرداختن به فعالیت‌های فوق برنامه (مشارکت اجتماعی) را ندارند. در مواردی هم که بعنوان ساکنان مناطق شهری از آنان یاد می‌شود در قالب مقوله‌هایی همچون، مسئله اجتماعی و معضل است و درباره آنان سمینار آسیب‌شناسی رفتار جوانان برگزار می‌شود. سطح دیگری از مشارکت که موثر نیز هست، عبارت است از: حضور در سطح مشورت و حضور در فعالیت‌های داوطلبانه دست جمعی. سطح مناسب‌تر مشارکت که ضروری و پایدار خواهد بود سطح حضور در اجرا سهیم شدن در تصمیم‌سازی، این سطوح با همه ضرورتی که دارد هنوز چندان مورد پذیرش دستگاه‌های اجرایی و نهادهای تصمیم‌گیری قرار نگرفته است. شهرسازان باید روابط و دیدگاه‌های مختلف افراد را راجع به زمین و سایت پروژه بدانند. به عنوان مثال در طراحی یک سایت مربوط به کودکان ممکن است کودکانی که حالت رهگذری دارند ارزش محیط را در داشتن امکاناتی از قبیل فضای بازی، دوچرخه سواری و غیره بدانند درحالی‌که آنهایی که دلبستگی عاطفی به منطقه دارند ارزش محل را در خاطرات یا زمانی که در آنجا گذرانده‌اند می‌بینند. درعین حال دسته‌سومی نی وجود دارند که برای هردو

مورد فوق ارزش قائلند. اگر شهرسازان، هردو گروه و نیازهای آنها را درک کنند، می‌توانند با رعایت توازن و تعادل تصمیمات بهتری را اتخاذ نمایند. «کودکان معمولاً دوست دارند درمورد اینکه فضای زندگی آنان چگونه دیده می‌شود، بحث کنند. آنها اظهارات مهمی می‌نمایند و نظراتی درباره فضای باز مدرسه، رنگ اتاق و دیوارها و مبلمان مناسب خود را بیان می‌کنند و می‌خواهند در مورد آنها تصمیم‌پذیری شود. بدینگونه کودکان فرضیه طراحان را مقطعی خواهند کرد. این فرضیه اساس طراحی خواهد بود که تصور کودکان، اشکال طراحی و شاخص مخصوص را برمی‌انگیزد» (مطلق زاده، ۱۳۷۹، ص ۶۷).

مشارکت کودکان در فرآیند طراحی شهری

در اسناد ارائه شده در پی نشست جهانی کودک در ۱۹۹۱ اهمیت و ضرورت ایجاد شهرهای مناسب کودکان و نوجوانان به گونه‌ای واقعی و دست‌یافتنی تصریح شده بود؛ بدین معنا که همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، سیاسی و شهری حقوق کودک منظور شود تا کودکان بتوانند براحتی از همه امکانات اینگونه شهرها برخوردار شوند، زیرا کودک، انسانی است دارای شخصیت و هویت با شرایط فردی و اجتماعی و شخصیت کودک در فضای خانه و فضاهای شهری و عمومی شکل می‌گیرد؛ شهر مناسب برای کودکان یعنی شهر سالم، شهر امن، شهر سبز و شهری که همه چیز آن در اعتدال باشد. علاقمندی‌های محلی ممکن است در سطح گسترده‌ای وجود داشته باشد، ولی به نظر می‌رسد که آنقدر پتانسیل ندارد که به عمل منجر شود. با انجام آموزشهای لازم می‌توان علاقه‌مندیهای ساکنین و افراد محله از حالت بالفعل به حالت بالقوه در آورد و اگر قرار است محیط تبدیل فضایی ملموس شود تنها از راه آموزش و بخصوص از سطح دبستان امکان‌پذیر است (مصباح، ۱۳۸۶).
الگوهای مشارکت کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی شهری



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۵۹

از ابتدای مطرح شدن پروژه های مشارکت کودکان در طرح های شهری الگوهای بسیاری مورد آزمایش قرار گرفته اند که حتی برخی از آنان به نظر می رسد تنها اسم مشارکت را با خوبه یدک می کشند و در عمل نظرات کودکان همچنان نادیده انگاشته می شود. در ادامه با برشماری انواع الگوهای مشارکت کودکان و توضیح هر یک سعی بر مطالعه نگرش های مختلف به این مبحث آورده خواهد شد. «لورنزو» (Ray Lorenzo-Mark, Francis-۲۰۰۲) الگوهای مشارکت کودکان در فرآیندهای طراحی شهری را با توجه به روند تکامل حرفه طراحی شهری و تغییرات نگرشی که به کاربران در آن بوجود آمده است در هفت الگو به شرح زیر بررسی می دارد:

با توجه به الگوهای یاد شده، باید به خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و بویژه فرهنگی جامعه توجه داشت. توجه به فرهنگ غالب هر منطقه بویژه در ایران با توجه به تنوع فرهنگی و میزان تاثیر پذیری ساکنین شهر های مختلف از محیط پیرامون، و همچنین توجه به لایه های مختلف اجتماعی- اقتصادی، نوع الگو با پایه و اساس مشترک اما منطبق با جامعه مورد مطالعه تغییر کند.

مزایای شهرهای مشارکت پذیر کودکان

در جامعه کنونی ما، مفاهیمی چون شهر، شهروند، فرهنگ شهرنشینی، مشارکت ها و حقوق شهروندی مفاهیم مدرنی هستند که هنوز شکل واقعی خود را پیدا نکرده اند. چرا که از پایه بر این اصل توجه نشده است و امروزه نوعی مدرنیزاسیون شهری به وجود آمده که وجه مادی آن تا حدی تأمین شده، اما بعد فرهنگی آن که برای ادامه حیات این ارگانیزم لازم است فراموش شده است و تا هنگامی که ارتقای سطح آگاهی و آموزش و توجه به مطالبات مردم در راس کار قرار نگیرد، دست یافتن به مشارکت های شهروندان در فضای شهری که هنوز بسط سازی فرهنگی و آموزشی صورت نگرفته است کاری بس دشوار است (رشیدی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). پذیرش مشارکت جوانان در طرح های شهری

مستلزم شناخت ماهیت مشارکت و آگاهی از منافع باقوه آن برای تمامی افراد دخیل است. از منافع مشارکت برای جوانان و کودکان می توان نشاط آور بودن شرکت در فعالیت جدید، تجربه دموکراسی و تحمل عقاید سایرین و ایجاد ارتباط سالم و ایجاد شبکه ای از دوستان جدید، افزایش حس سرپرستی و مسئولیت پذیری و تقویت اعتماد به نفس در آنان را نام برد. علاوه بر کودکان، مشارکت کودکان برای سایر افراد جامعه نیز دارای منافع است از قبیل: ارتباط و همکاری متقابل کودکان و بزرگسالان و نزدیک شدن گروه های سنی مختلف به یکدیگر، شناخت راه های بهبود کیفیت توسط سایرین و تقویت احساس تعلق خاطر به محیط زندگی شان و تقویت توجه و صرف انرژی و زمان آینده جامعه، از فوائد مشارکت کودکان و نوجوانان برای برنامه ریزان و سیاست گذاران می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۱. کمک به پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه ای که به آن خدمت می کنند؛
 ۲. کمک به اتخاذ بهتر تصمیمان و عملی تر بودن برنامه ریزی ها؛
 ۳. ایجاد محیط های شهری کودک پسندتر و انسانی تر؛
 ۴. کمک به تحقق یابی روح معاهده سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان؛
 ۵. سهیم سازی جوانان را در تلاش برای تحقق توسعه پایدار و تحقق دستور کار ۲۱ و دستور کار اسکان بشر (دریکسل، ۱۳۸۶، ص ۲۷).
- بررسی نمونه های موردی
- در ادامه به بررسی نمونه های موردی پرداخته می شود:
- «رومانی»: از سال ۱۹۹۲ در رومانی حدود ۴۵ شورای کودکان و نوجوانان تشکیل شده است که همه آنها از اساسنامه واحد که مشابه اساسنامه شورای اروپایی است پیروی می کنند. تمامی انجمن ها و شوراها با محوریت مرکزی به نام

(M.F) Master Forum) به فعالیت می پردازند و در گردهمایی سراسری شرکت می کنند. یکی از فعالیت های M.F دعوت از شهرداران نوجوان، اعضای انجمن های مردمی و سازمان های دولتی دخیل در اداره شهرها در شانزدهم سپتامبر هرسال است تا در خصوص مسائل و نوآوریهای بدست آمده در طول سال گذشته به تبادل نظر بپردازند. این

موضوع به مردم نشان می دهد که حضور جوانان و نوجوانان در عرصه مدیریت شهری تاچه حد مهم و درخور توجه است. به عنوان نمونه شورای محلی بچه ها در شهر «کراپوا» از بین ۹ هزار کودک و نوجوانی که در انتخابات شرکت کردند ۷۲ نفر را برای عضویت در شورا انتخاب کرد و شورا نیز یک نفر شهردار، دو معاون و یک بازرس را از بین

جدول ۳. الگوهای مشارکت کودکان؛ ماخذ: نگارندگان با استناد به Ray Lorenzo-Mark. Francis-۲۰۰۲

نام الگو	شیوه برخورد	توضیحات	نمونه ها و مجریان
الگوی رومانتیک	کودکان به عنوان برنامه ریزان- آینده سازان	این دیدگاه را به این دلیل رومانتیک می نامند که، بسیاری معتقدند اگر فقط کودکان عهده دار وظیفه برنامه ریزی باشند محیط بسیار با کیفیت- تر خواهد بود. گرچه این شیوه مشارکت در عمل آنچنان به واقعیت نزدیک نبود، با این وجود باعث ارتقاء درک مفاهیم زیادی نسبت به کودک در فرآیندهای طراحی گردید.	این تفکر از کارهای طراحان خلاق مانند اسپواک (۱۹۶۹ Spivak) و نیکلسن (۱۹۷۱ Nicholson) در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی سرچشمه گرفت، آنها سعی در مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی پارکها، فضای سبز محله و مدارس داشتند. در این پروژه ها از بچه ها خواسته می شد که محیط مورد نظرشان برای آینده را طراحی نمایند. در این میان از بزرگسالان نیز خواسته می شد که اماکن مورد علاقه شان در کودکی را به یاد آورند و ترسیم نمایند که به حال بزرگسالان هنگام ترسیم این اماکن ناخودآگاه از سلاقی دوران بزرگسالی شان نیز استفاده می کردند.
الگو طراحی و کالنی	طراحی برای کودکان	شهروندان حق مشارکت در پروژه های شهری نداشته و طراحان به عنوان وکیل گروه های مختلف طرح های خود را ارائه می دهند. از نقاط منفی این رویکرد، جامع نبودن آن و عدم مشارکت مستقیم کودکان و نادیده انگاشتن راه و روش تصمیم گیری کل نگر در فرآیند تصمیم سازی بود.	پروژه های برنامه ریزی دهه ۶۰ میلادی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۱

الگوی نیازها	علوم اجتماعی برای کودکان	نیازهای فضایی کودکان را شناسایی می کند و ضرورت مشارکت کودکان در طراحی محیط پیرامون با استفاده از علوم روانشناسی محیطی، و به ارتقا دیدگاه عموم به لزوم مشارکت کودکان در طراحی محیط های مختص بچه ها می پردازد. بر اساس این الگو باید توجه داشت که کودکان احتیاجات دارند که باید در روند طراحی محیط پیرامونشان مدنظر قرار گیرد و این شامل توجه به طبیعت، گیاهان و منظر برای کودکان نیز هست. این مطالعات مشکلات و تفاوت های کودکان برای رشد در شهرها، اهمیت حضور آنان در واحد های همسایگی بزرگتر با امکانات بیشتر و ضرورت دسترسی به محیط های طبیعی را مشخص می کند. از نقاط ضعف این الگو، محدودیت بکارگیری صرفاً علوم اجتماعی بدون درنظر گیری نیازهای کودکان در تعامل با سایر علوم است.	از کسانی که از این دیدگاه بهره اند می توان از لینچ نام برد.
الگوی یادگیری	کودکان به عنوان یادگیرندگان	آموزش به کودکان از طریق مشارکت به اندازه ی تغییرات کالبدی اهمیت دارد. یادگیری حاصل پراهمیتی از برنامه ریزی و تجربه کودک در فرآیند مشارکت است. این روش اغلب منجر به آموزش و تغییرات اجتماعی، بدون اعمال تغییرات کالبدی می شود. کودکان اغلب مستقیماً در فرآیند تصمیم گیری شرکت داده نمی شوند و بیشتر از افراد حرفه ای و معلمان در طراحی و یا محتوی دوره، برای آموزش کودکان استفاده می شود.	بسیاری از برنامه ریزان سعی در استفاده از این الگو در مشارکت کودکان نموده اند که از مهمترین آنها می توان به آدامز و مور اشاره کرد. نمونه ای از پروژه هایی که از این الگو استفاده کرده اند شامل قدردانی از معماری، آموزش محیط ساخته شده و یادگیری با استفاده از مناظر می باشد.

الگوی حقوق گرا	کودکان به عنوان شهروندان	تاکید بر حقوق کودکان در شکل دهی به محیط، به عنوان گروهی از شهروندان است. این دیدگاه انقلابی در نحوه برخورد با موضوع کودکان به عنوان مشارکت کنندگانی که دارای حقوقی هستند محسوب می شود که اصول دموکراسی، حقوق و قدرتمند نمودن کودکان را بوجود آورد. از نکات منفی این دیدگاه توجه صرف به کودکان و عدم توجه به نیازهای محیطی می باشد.
الگوی نهادینه سازی	کودکان به عنوان بزرگسالان	برنامه ریزی توسط کودکان، اما در درون مرزهای سازمانی و توسط بزرگسالان و مقامات. هدف: مشارکت هرچه بیشتر کودکان. از کودکان همانند بزرگسالان انتظار می رود رفتار کنند و در فرآیند برنامه ریزی قدرت داشته باشند.
الگوی پیش برنده	مشارکت با کمک چشم انداز سازی	کودکان در طرحها مشارکت دارند اما بزرگسالان نقش اصلی را ایفا می کنند. این الگو بازتاب تفکر فعلی ماست و مشارکت را به عنوان عملی آموزنده، اجتماعی و ارتباط دهنده می شناسد. سعی در یافتن راه های احیای دوباره ایده های دوره کودکی در جهت خلق مکان های کودک محور و با کمک خود کودکان دارد. از نکات مثبت این رویکرد، افزایش میزان مشاهده، کنترل و نظارت بر روند طراحی است. نکته منفی این برخورد، غیر قابل اجرا بودن در تمام شرایط و نیاز به انجام آموزشهای لازم در این زمینه توسط طراحان است.

از جمله پروژه هایی که از این الگو پیروی کردند می توان به شورای شهر بچه ها، شهرهای دوستدار کودک که هردو توسط یونیسف حمایت می شوند، اشاره کرد. همچنین پروژه «رشد در شهرها» که توسط یونسکو اداره می شود. از نکات منفی این دیدگاه توجه صرف به کودکان و عدم توجه به نیازهای محیطی می باشد.

در حال حاضر بسیاری از پروژه های توسعه شهری در کشور های توسعه یافته از این الگو پیروی می کند. از سازمانهایی که بوسیله این الگو به اجرای برخی طرح های خود پرداخته اند می توان شورای شهر کودکان، یونیسف و سازمان های ملی در رابطه با کودکان را نام برد و شرکت کنندگان انجام این پروژه مقامات شهری و حامیان کودکان اند.

اعضا خود برگزید. چنین حرکت ها و برنامه هایی کمک میکند تا موضوع آموزش شهروندی از سالهای کودکی بطور خودکار اتفاق بیفتد، و مدیران آینده شهری از این طریق به تدریج آموزش ببینند و زبده ترین آنها انتخاب شوند. گفتنی است که شهرداری ها نیز خود را موظف به حمایت از این گونه گروه های خودجوش می دانند، به گونه ای که امکانات لازم را از حیث تدارکات، برگزاری انتخابات و نظایر اینها در اختیار آنها قرار می دهند و آموزشهای لازم را در خصوص انتخابات شورا، شهردار و معاونانش در سطح مداررس به داوطلبان و رای دهنندگان ارائه می کنند. این درحالی است که در این میان آموزش و پرورش موظف است به منظور ترویج پروژه یاد شده، در بین مدیران و دانش آموزان، امکانات لازم را فراهم سازد و رسانه ها نیز در تبلیغ آن کمک کنند (غمامی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

۱. لندن: طرح راهبردی لندن به عنوان «شهر دوستدار کودک» در سال ۲۰۰۵ از سوی شهردار لندن ارائه شد که در بخش نظرسنجی آن بیش از هزار کودک و نوجوان لندنی در این طرح مشارکت داشتند. در نظرسنجی که از کودکان در مورد کیفیت شهر لندن به عنوان مکانی برای سکونت انجام گرفت، کودکان نظرات خود را به نقل از رستگار (رستگار، ۱۳۷۸) این گونه اعلام داشتند:

۱. مکان های بازی به اندازه کافی وجود ندارد؛
۲. پارک ها و فضاهای عمومی نیاز به امنیت بیشتری دارند؛
۳. امکانات فعالیت های ورزشی در سطح بیشتر مربوط به کودکان باشد؛
۴. کودکان در سطح بیشتری قادر به پیاده روی و دوچرخه سواری ایمن باشند. همچنین اعلام کردند:
۱. به حمل و نقل عمومی ارزانتر و ایمن تر نیاز دارند؛
۲. به ساخت و سازهای مناسبتر و واحدهای همسایگی که با توجه به نیازهای آنان شکل گیرد بیشتر نیاز دارند؛
۳. آنان خواستار این بودند که بدانند، لندن چگونه در حال پیشرفت است و چگونه به آنها توجه می شود. اهداف کلان و راهبرد های این طرح عبارتند

از: ۱. از نحوه زندگی کودکان در لندن: اطمینان از این موضوع که افراد دخیل در سیاست هایی که کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می صدای کودکان لندنی: همه کودکان و نوجوانان مورد توجه اند و می توانند در تصمیم گیری های مربوط به نواحی زندگیشان مشارکت داشته باشند؛ ۲. اطلاع دهد از شرایط رشد و زندگی آنان به لندن به خوبی آگاه اند؛ ۳. همه چیز را برای کودکان و نوجوانان بهتر بسازیم: همه کودکان باید از سلامت فیزیکی و روحی برخوردار باشند و از یک زندگی سالم بهره مند باشند؛ ۴. لذت بردن و دست یافتن: همه کودکان و نوجوانان باید قادر به رسیدن به آنچه در زندگی خارج از وجود دارد باشند و در این راه مهارت هایشان برای زندگی آینده را گسترش دهند؛ ۵. امن بودن: همه کودکان باید از آسیب دیدن حفظ شوند و قادر به رشد در محیط امن باشند؛ ۶. ایجاد تغییر: تمام کودکان و نوجوانان در شهر دوستدار کودک لندن باید در تصمیم گیری ها لحاظ شوند و برای مشارکت در تصمیم گیری ها تشویق شوند؛ ۷. داشتن شانس مساوی: تمام کودکان و افراد جوان در رسیدن به آنچه که استحقاق آنرا دارند حمایت شوند (London, ۲۰۰۳).

۲. ایران- شهر دوستدار کودک در بم: زلزله بم باعث گسترش هرچه سریعتر ایده شهر دوستدار کودک در ایران از سوی وزارت آموزش و پرورش و مسکن شهرسازی در تعامل با یونیسف گردید. پس از زلزله، این شهر به عنوان شهر دوستدار کودک اعلام گردید و بودجه ای برای طراحی بخشی از شهر به عنوان شهر دوستدار کودک و ساخت برخی ملزومات توسط یونیسف فراهم شد که با همکاری شهرداری، این پروژه در ضلع غربی ارگ بم به اجرا درآمد. طرح شهر دوستدار کودک از طریق فرآیند برنامه ریزی شهری، در پی ایجاد محله حامی حقوق کودکان بود تا خدمات اجتماعی دوستدار کودک در دسترس همه کودکان قرار گیرد. در سال ۲۰۰۷ هر دو عرصه اصلی طرح، یعنی بسیج

شاخص‌ها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۱ الف) در دسترس بودن طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک. ۱ ب) دسترسی مستقل به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های دوستدار کودک ۲ الف) توانایی مشارکت در فرایندهای مشارکتی جامعه	۱) فراهم کردن دسترسی مستقل کودکان به طیف متنوعی از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی مناسب کودکان در تمامی سنین، توانایی‌ها و پیشینه فرهنگی. ۲) ایجاد ظرفیتی برای کودکان جهت سالم بودن و دستیابی به مهارت از طریق مشارکت	فعالیت داشتن فعالیت با داشتن توان انجام مستقل کار منجر به کنترل و توانایی سالم بودن و انجام مستقل کار در زندگی روزمره می‌شود.
منابع اطلاعاتی موثق	اقدامات پیشنهادی	
- طرح‌ها و نقشه‌های اصلی - مسیرهای اتوبوس - مسیرهای دوچرخه‌سواری - گزارشات کودکان و نوجوانان	- محاسبه فاصله تا مقصد از مدرسه و خانه - محاسبه میانگین زمان تا مقصد از مدرسه و خانه - تعداد و روشهایی که کودکان میتوانند هریک از امکانات و خدمات دسترسی داشته باشند (مانند پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری یا حمل و نقل عمومی)	
شاخص‌ها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۳ الف) حمایت‌های بدنی برای ایمنی کودکان ۳ ب) راهکارهایی برای حفظ کودکان از خطرات بدنی ۴ الف) وجود ویژگی‌هایی که احساس هویت اجتماعی را برانگیزد.	۳) امنتر کردن اماکن عمومی جامعه برای کودکان. ۴) افزایش توانایی کودکان در احساس امنیت و ارتباط با جامعه خود	ایمنی و امنیت داشتن احساس ایمنی و امنیت برای مشارکت کامل در زندگی و انجام چیزهایی که هر کسی باید انجام دهد.
منابع اطلاعاتی موثق	اقدامات پیشنهادی	
- مدیریت محیط (پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط) - رهمنوینهای طراحی خیابان - آمار جرم و جنایات - مشورت با کودکان و نوجوانان	- راهکارهای جامعه برای تضمین ایمنی کودکان و نوجوانان - تعداد و نوع کارکردها - قابلیت نظارت منظم بزرگسالان در اماکن عمومی - نصب حصار، میزان سایه - تهیه طرح برای ایمنی کودک در جامعه	
شاخص‌ها (مؤلفه‌های ابعاد کلیدی)	جوامع دوستدار کودک (ابعاد کلیدی)	سلامت کودکان (موضوعات کلیدی)
۵ الف) وجود امکاناتی که احساس خوشحالی و حمایت می‌دهند. ۵ ب) در دسترس بودن فضاهای بازی خلاق و فعال ۶ الف) در دسترس بودن فضاهای سبز و مناطق طبیعی ۶ ب) دسترسی به طیف وسیعی از فضاهای باز سبز و مناطق طبیعی	۵) ایجاد فضاهایی که در آنها کودکان می‌توانند شادی، نشاط و موفقیت را تجربه کنند. ۶) افزایش موقعیت‌هایی برای کودکان برای دسترسی به فضای باز و سبز	احساس مثبت از خود داشتن احساس مثبت از خود، احساس اینکه شما فرد خوبی هستید و توسط افراد اطراف خود شناخته شده هستید
منابع اطلاعاتی موثق	اقدامات پیشنهادی	
- یازسازی و راهکارهای فضای باز و طرح مدیریت - اطلاعات حمل و نقل - طرح و نقشه	- دسترسی به پیاده‌رو و دوچرخه‌سواری - نزدیک بودن به راه‌ها، خانه‌ها و توسعه شهری - دسترسی به حمل و نقل عمومی	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۵

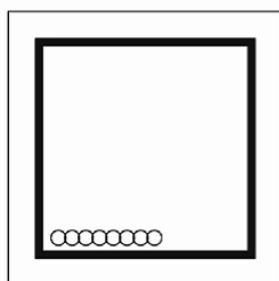
موانع تحقق پذیری مشارکت در شهرهای دوستدار کودک

هرچند سالهاست از توجه مسئولان شهری به مسائل اولیه و ابتدایی مشارکت شهروندان و بخصوص مشارکت کودکان در برنامه ریزی و طرح های شهری می گذرد اما این طرز تفکر برای کشور ما همچنان تفکر نوینی محسوب می شود و به جز در چند

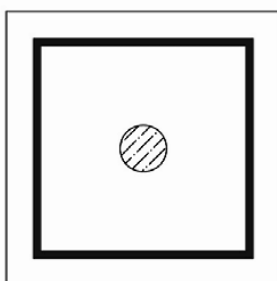
اجتماعی و فعالیت های زیر بنایی جهت احداث محیطی مناسب، شاهد پیشرفت های مطلوبی بودند. (یونیسف، ۲۰۰۷). هدف از اجرای این پروژه طراحی برای کودکان ۶ تا ۱۳ ساله در جهت دسترسی به محیط های با کیفیت و پایدار در قالب ایده های شهر دوستدار کودک بود.



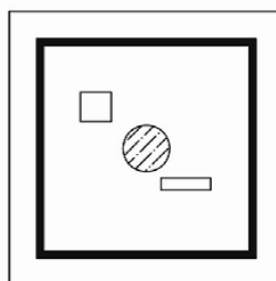
تصویر ۱. کودکان در حال طراحی شهر و محیط مطلوب خود در کانون پرورش فکری کودکان؛ و تصویر ۲. توجیه کودکان در مورد طراحی شهری که دوست دارند از طریق مشارکت آنها در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهری؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.



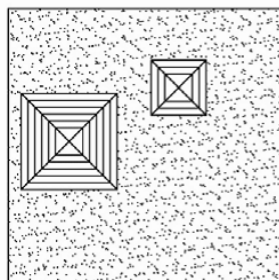
محدوده فضای سبز با درختان بلند و نرده و گیاهان مشخص شود



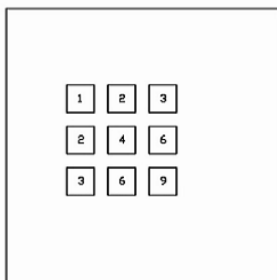
استخر و آب نماها در مرکز فضای سبز



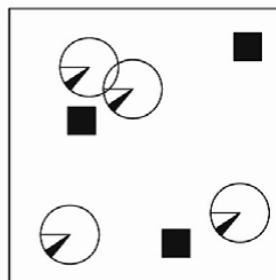
کنار استخر فضاهای خوردن و بازی کردن



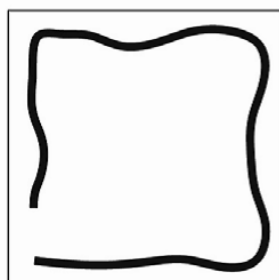
سرپناه های مستقل برای بچه ها و بزرگترها



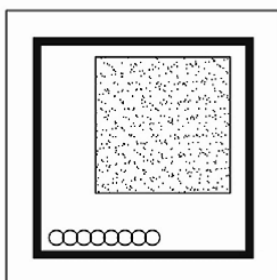
استفاده از عناصر فضایی برای یادگیری



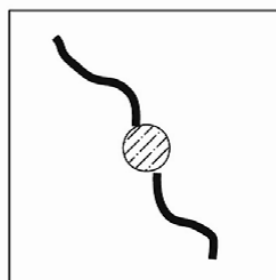
استفاده از مجسمه هایی در کنار درختان



مسیر دوچرخه در پیرامون مجموعه



استفاده حداکثر از چمن در پوشش کف



مسیرهای غیر مستقیمی که به استخر ختم می شوند

تصویر ۲. نمونه هایی از الگوهای مورد نظر در طراحی فضای سبز در یک نمونه موردی شهر دوستدار کودک از دیدگاه بچه ها؛ ماخذ: کامل نیا و حقیر، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۶

جدول ۵. عوامل بازدارنده کودکان در حوزه سرمایه اجتماعی در شهرهای دوستدار کودک؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

سازه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی		
ابعاد	شاخص	تعریف عملیاتی
اعتماد اجتماعی	بین شخصی	اعتماد به آشنایان مانند اعضای خانواده، همسایگان، هم محله‌ای‌ها، خویشاوندان، دوستان
	تعمیم یافته	اعتماد به مردم جامعه (غریبه‌ها و افراد غیر آشنا)
	نهادی و صنفی	اعتماد به سازمانهای غیردولتی، گروه‌ها، و صنف‌ها
	دولتی	اعتماد به ارگانها، اداره‌ها و مراکز دولتی
انسجام	تعامل	پیوندهای عینی بین افراد مبتنی بر شدت تماس و ارتباط افراد با اعضای شبکه خود (خویشاوندان، دوستان و همسایگان)
	گرایش	شدت پذیرش و وجود احساس تعلق جمعی در میان افراد محل و آشنایان
احساس امنیت در محله		
احساس امنیت در محله در روز		
احساس امنیت در محله در شب		
عامل بازدارنده در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی		
نام عامل	تعریف	
احساس بی‌قدرتی	احساس تاثیرگذار بودن در فرایندهای موجود سطح محله و جامعه به لحاظ سیاسی و اجتماعی	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۷

برخی از برنامه‌ها؛

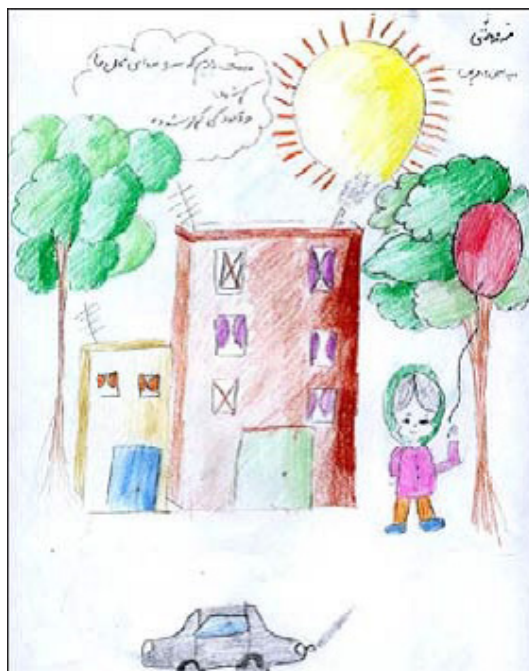
۸. موانع ناشی از مفعول پنداشتن مشارکت کنندگان؛
۹. عدم شناخت جایگاه سازمانهای غیردولتی.

شایان ذکر است که این موانع در خصوص مشارک فعال همه شهروندان در امور شهری مطرح است؛ حال آنکه برای رسیدن به مشارکت همه جانبه گروه‌های خاص (به‌خصوص کودکان) مشکلات دیگری نیز بر لیست فوق اضافه می‌شوند که علاوه بر موانع سازمانی بیشتر این مشکلات می‌تواند به مخاطبان طرح برگردد. مشکلاتی از قبیل:

- عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه‌های سنی کودک و نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادست از برنامه‌های مشارکتی کودکان
- مسئولان اغلب خود را مسلط بر خواسته‌ها و نیازهای کودکان می‌دانند و تصمیم‌گیری در خصوص کودکان را با اعمال نظر خود انجام می‌دهند و نه با نیازها و خواسته‌های کودکان امروز.
- فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه و نا شناخته

پروژه به نظر می‌آید این شیوه نگرش به مشارکت، چه به دلیل مشکلات فرهنگی یا ساختاری مدیریت شهری در ایران غریب است. از موانع دستیابی به مشارکت فعال در طرح‌های شهری ایران می‌توان مشکلات زیر را برشمرد (ارجمند نیا، ۱۳۸۰، ص ۲۸):

۱. موانع یا محدودیت‌های ساختاری: فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای بوروکراتیک که مشارکت را در قالب ازپیش تعیین شده در نظر می‌گیرد.
۲. موانع فرهنگی یا محدودیت‌های فرهنگی-اجتماعی؛
۳. موانع و محدودیت‌های نهادی؛
۴. موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن؛
۵. موانع سیاسی مشارکت؛
۶. موانع ساختاری ناشی از نظام‌های برنامه‌ریزی؛
۷. موانع و مشکلات ناشی از محرمانه و سری بودن



تصویر ۳ و ۴. نقاشی کودکان از شهری که دوست دارند و در آن مشارکت می کنند؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان. (*) با بازخوانی این تصاویر می توان برداشتهای کودکان از فضاهای شهری مطلوب را از طریق یک رویه مشارکتی کودکانه در فرایند طراحی و برنامه ریزی شهری مورد استفاده و استناد قرار داد.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۸

۲. «سلامت»: کودکان به مخاطرات محیطی بسیار بیشتر از بزرگسالان حساس هستند. هوای سالم برای کودکان بسیار حیاتی است. سم زدایی، دفع آب های سطحی و فاضلابها از مناظر کودکانه بسیار مهم است. از آنجاییکه کودکان خردسال معمولاً همه چیز را به دهان میبرند باید در طراحی برای آنان از گیاهان غیر رسمی استفاده کرد. استفاده از مصالح کاملاً بهداشتی به خصوص زمانی که کودکان نوپا و نوباوه از فضا استفاده میکنند، بسیار مهم است.

۳. «ایمنی»: ایمنی از عوامل تعیین کننده در طراحی برای کودکان است. محیط باید به گونه ای طراحی شده باشد که ضمن اینکه رفتارها و موقعیت های خطرناک را از بین می برد، میزان آسیب را در زمان وقوع حادثه، کم کند. موقعیت هایی که کودک نتواند خطر آنها را ارزیابی کند باید در منظر از بین بروند.

۴. «کودکسواری»: فضاهای رسمی، ورودیهای بزرگ و

بودن ارزشهای مشارکت برای کودکان و خانواده های ایشان

• افزایش هزینه ها اقتصادی ناشی از برنامه های مختلف مانند آموزش کودکان، گردآوری اطلاعات از کودکان و غیره؛

اصول طراحی روانشناختی محیط کودکانه

اگر محیط بخواهد پاسخگوی نیازهای کودک باشد، باید در طراحی آن مولفه های روانشناختی زیر مدنظر قرار گیرند:

۱. «راحتی»: احساس راحتی در استفاده کودک از فضا و جستجوی او در محیط بسیار مهم است. در این میان باید امکان تحریک همه حواس کودک بصورت متعادل فراهم شود. رفتار در یک محدوده مشخص به لحاظ تحریک حسی به حد بهینه خود می رسد. تحریک بیش از حد حواس یا سرو صدای زیاد احساس ناراحتی در کودک ایجاد میکند و موجب بروز رفتارهای منفی و پرخاشگرانه از سوی او میشود.



تصویر ۵ و ۶. نمونه ای از تصویرهای برگزیده شهر مطلوب از دیدگاه کودکان؛ مآخذ: گردآوری نگارنده از نظرات کودکان به شهر دوست داشتنی؛ ۱۳۹۴.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۲۶۹

انتقال به صورت سلسله مراتبی صورت گیرد و کودک به یکباره از یک فضا وارد فضای دیگر نشود، با ناراحتی بیشتری مرحله انتقال را پشت سر میگذارد.

۷. «قابل پیش بینی بودن و وضوح»: برای کودکان قابل پیش بینی بودن فضا بسیار مهم است. این امر به آنها کمک میکند تا بر محیط زندگی روزمره شان تسلط داشته باشند. در واقع باید بین یکنواختی و تضاد یا تغییر در فضا تعادل برقرار شود. این مسئله که تغییر در میان یکنواختی نامیده می شود، به بهترین شکل در طبیعت تبلور می یابد؛ با تغییرات ظریفی که بوسیله باد، نور، صدا یا تغییر فصول در آن به وجود می آید. اگر محیط به صورت متناوب و دائمی در حال تغییر باشد کودکان در آن احساس ناراحتی و اضطراب می کند.

۸. «رعایت حریم های در عرصه های خصوصی»: رابطه بین محدوده ها و فعالیتها می توان از آن به عنوان مجاورت و منطقه بندی تعبیر کرد، بر نوع

مکان های عمومی برای کودک ترسناک و دافعه آور هستند. کودکان در فضاهایی که مانند خانه به نظر می آیند و مقیاس خانه دارند احساس راحتی بیشتر می کنند. آنها فضاهای صمیمی را دوست دارند.

۵. «محصوریت»: کل محدوده فضای کودک باید توسط عناصری از فضاهای اطراف جدا شود. اما این احساس محصوریت نباید احساس محبوس بودن را در کودک به وجود آورد. بهترین شکل این تفکیک استفاده از خاکریز یا تپه ماهور است. این نوع تفکیک حس طبیعی بودن را در فضا ایجاد می کند. از گیاهان با عناصر طبیعی دیگر مانند باتلاق یا مسیل می توان برای جدا کردن محدوده بازی های مختلف استفاده کرد.

۶. «سلسله مراتب در انتقال فضائی»: عملکرد فضاهای انتقالی در طراحی برای کودک از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در بسیاری از موارد کودک هنگام انتقال از یک فضا به فضای دیگر احساس ناراحتی و ترس میکند. در صورتیکه فرایند

و کیفیت رفتار کودک موثر است. کودکان همانند بزرگتر ها و حتی شاید بیشتر از آنها نیازمند داشتن حریم هستند که فقط متعلق به خودشان باشد. در طراحی برای کودک، باید حریم خصوصی و ابعاد پنهان کودک را مدنظر قرار داد. از سوی دیگر باید توجه داشت ازدحام بیش از حد در فضا باعث ایجاد اضطراب در کودکان می شود (Legendre, ۲۰۰۳).

۹. «نفوذپذیری»: فضاهای طراحی شده برای کودک باید دعوت کننده باشد و مانع از نفوذ آسان کودکان نشود. سهولت دسترسی به فضاهای کودکان مسئله ای است که در طراحی برای کودک باید مورد توجه قرار گیرد. اگر کودک نتواند به فضای مورد علاقه خود وارد شود، احساس ناراحتی به او دست می دهد. تعریف عرصه ها با عناصر غیر صلب می تواند امکان این نفوذ را به وجود آورد. تفکیک راه ها و فضاهای عبوری، جداسازی و تعریف محدوده فعالیت های مختلف، تعریف محدوده عمومی و خصوصی بایستی بگونه ای باشد که مانع از این نفوذپذیری نشود.

۱۰. «ایجاد هویت، حس تعلق و حس مکان»: از آنجاییکه ایجاد سلامت روانی کودکان در گرو خلق مکان برای کودکان آنهاست و از آنجاییکه معنای مکان و مفهوم هویت در مفهوم ایجاد حس تعلق نهفته است، باید زمینه ای را ایجاد کرد که کودک به فضاها احساس تعلق کند و فضاها برایش به مکان تبدیل شوند. دست یابی به این هدف با تلفیق پایداری کالبد و فعالیت های کودک بر اساس تصورات و انتظارات او از محیط است.

۱۱. «اصالت و معنا»: ارزش های کودک در سال های اولیه زندگی (قبل از ۵ سالگی) شکل می گیرند. از این رو آموزش ارزش های فرهنگی به کودک باید از سال های اولیه زندگی آغاز شود. حضور استعاری عناصر فرهنگی در مناظر کودکان میتواند زمینه ساز آشنایی کودکان را با هویت فرهنگی جامعه خود فراهم کند اما با توجه به اینکه کودکان یاد گیرنده

های فعال هستند و بهترین نتیجه زمانی اتفاق می افتد که کودکان از تجربه، تعامل، بازی و اکتشاف بیاموزند تا اینکه دانش به آنها تزریق شود، باید این معانی فرهنگی را وارد حوزه ی فعالیت های کودک در منظر کرد. در واقع باید کودک بتواند با این عناصر تماس حسی ملموس برقرار کند. ترکیب عرصه های مربوط به فعالیت ها و مراسم فرهنگی و اجتماعی با مناظر کودکان نیز میتواند زمینه آشنایی کودک را با سنت های فرهنگی اجتماعی به وجود آورد.

۱۲. «خوانایی»: قرائت کودک از منظر به لحاظ نداشتن پس زمینه ذهنی با بزرگسالان متفاوت است. فضای شهری که خوب طراحی شده باشد توسط کودک رمز گشایی می شود. کودک میتواند در آن موقعیت خود را مشخص میکند، جهت یابی کند، رابطه فضایی که در آن است با فضاهای مجاور بشناسد و بفهمد که چگونه میتواند به فضایی که می خواهد برسد. از این مساله به عنوان مسیریابی تعبیر می شود. کوتاهی قد کودکان باعث می شود که محیط برای کودکان چالش بر انگیز باشد؛ مگر آنکه منظر برای ارتفاع چشم کودک طراحی شده باشد. کودکان خردسال نمی توانند نوشته های روی تابلوها و علائم راهنما را بخوانند. پس منظر باید بتواند با یک زبان غیر نوشتاری با کودک ارتباط برقرار کند و او را در یافتن مسیرش یاری نماید. ۱۳. «سازگاری بصری»: طراحی منظر آشنا برای کودک، موجب ایجاد احساس امنیت در کودک هنگام فعالیت در منظر می شوند. از سوی دیگر کودکان در حرکت در منظر، مدام به عقب رو بر می گردانند. در واقع منظر برای کودک به صورت متناوب به صورت جلو و رو به عقب تغییر می کند. ایجاد پیوستگی در این سکانس های متوالی، سبب می شود کودکان با اطمینان بیشتری در منظر حرکت کنند.

۱۴. «مکان برقراری روابط اجتماعی با سایر کودکان»: برقراری روابط اجتماعی در کودکان

مستلزم پدید آمدن شرایط مناسب برای پرداختن به علایق مشترک آنهاست. از این رو طراحی فضاهایی که کودکان بتوانند در آن به بازی های گروهی بپردازند، میتواند زمینه ساز اجتماعی در میان آنها باشد. از سوی دیگر باید توجه داشت که آشنایی کودکان با هم در میزان تعاملشان با یکدیگر موثر است.

۱۵. «امکان بازی مشارکتی کودکان با والدین»: بازی کودکان با والدین به رشد عواطف کودک کمک میکند. از سوی دیگر احساس امنیتی که در هنگام مشارکت والدین در بازی کودک به او دست می دهد، سبب می شود که او مدت زمان بیشتری را به بازی اختصاص دهد. اصول فعالیتهایی که با حضور والدین در کنار کودک صورت پذیرند، در ذهن او ماندگارتر هستند. از سوی دیگر، کودکان به تقلید از بزرگترها و استفاده از وسایل واقعی در بازی بسیار علاقمند هستند. مشارکت و والدین در بازی های نقش کودکان، میتواند ضمن ایجاد امکان تنوع بیشتر در این بازی ها، امکان یادگیری کودک از بازی را بیشتر کند.

۱۶. «مالکیت»: کودکان در سال های اولیه زندگانی دوست دارند که همه چیز را تحت تملک خود قرار دهند. این احساس مالکیت، فضاها را نیز در بر میگیرد. بنابراین باید توجه داشت که طراحی بگونه ای صورت پذیرد که کودکان برای تملک فضا و استفاده از تجهیزات با یکدیگر دعوا نکنند.

۱۷. «فردیت، تعلق به گروه و مکان»: برای کودک باید فضاها را به گونه ای طراحی کرد که در سطوح مختلف پاسخگوی نیازهای فضایی کودکان باشد. بطور مثال فضاهای کوچک برای خلوت گزینی مطلوب کودکان است و فردیت کودک را ارضا می کند. فضای کودک را میتوان به نحوی طراحی نمود که فضاهای دنج و آرام برای خلوت گزینی، فضاهای محصور برای دو تا سه کودک و فضاهای بزرگتر برای گروه های بیشتری از کودکان وجود داشته باشد.

۱۸. «مقیاس کودکانه»: مقیاس فضا رفتار کودک را تحت تاثیر قرار می دهد. هرچه مقیاس فضا کودک وارتر باشد، بازی کودک در آن از کیفیت و تنوع بالاتری برخوردار خواهد بود و کودک زمان بیشتر درگیر بازی خواهد شد. به بیان دیگر فضا با مقیاس کودکانه، علاقه کودک و تمرکز او را افزایش می دهد و رسیدن به احساس کسالت را در او به تعویق می اندازد. از سوی دیگر از آنجاییکه کودکان دوست دارند از تجهیزات فضا به تنهایی و بدون کمک بزرگترها استفاده کنند، رعایت مقیاس کودکانه در طراحی عزت نفس کودکان را افزایش می دهد و در آنان احساس استقلال به وجود می آورد.

۱۹. «انعطاف پذیری»: قدرت تسلط و تغییر شکل کودک در محیط برقرار میکند بسیار موثر است. کودکان دوست دارند تا به جستجو، ادا و تغییر در محیط بپردازند. محیط هایی که دارای قسمت های آزاد هستند، کودکان را به دستکاری در محیط و ساختن آن بر می انگیزند. اینگونه محیط ها برای کودکان خیلی بیشتر از محیط های ایستا جالب توجه هستند.

۲۰. «تنوع»: به لحاظ محدوده توجه و تمرکز، کودکان با بزرگسالان تفاوت زیادی دارند. چیزی در ابتدا کودک را به خود جلب کند، ممکن است تنها در عرض ۱۰ دقیقه برایش کسل کننده شود. برای مقابله با این مسئله محیط باید دامنه وسیعی از امکانات متنوع به کودک ارائه دهد. تنوع کم عناصر و مصالح بکار رفته در فضا، فرصت های بازی او را محدود می کند و میزان کسالت و پرخاشگری را در او افزایش می دهد. عامل دیگری که نیاز به تنوع در منظر کودکان را ایجاد می کند، تئوری هوش چندگانه است. کودک به فعالیت هایی تمایل دارد که در زمینه ی آن از درجه بالاتری از هوش برخوردار است. از سوی دیگر علایق دختران و پسران با هم تفاوت آشکاری دارد، ازین رو تنوع فعالیت ها باید از گستره وسیعی برخوردار باشد تا

بتواند به همه انواع هوش در هر دو جنس پاسخ دهد. طراحی محیطی که گستره وسیعی از کودکان با علایق و توانایی های مختلف بتوانند از آن استفاده کنند بسیار مهم است.

۲۱. «چالش برانگیزی»: کودکان دوست دارند در محیط هایی بازی کنند که از درجه بالایی از چالش برانگیزی، تنوع، بداعت و پیچیدگی برخوردار باشند. شکل، کیفیت و تنوع بازی های کودکان به صورت مستقیم متاثر از شکل، کیفیت و تنوع محیط طراحی شده برای بازی آنان است. کودکان به فرآیند استفاده از محیط علاقه دارند نه به نتیجه آن. اما باید توجه داشت وقتی بین آنچه کودک توانایی انجامش را دارد و آنچه از او انتظار می رود تناسبی وجود نداشته باشد، کودک احساس کسالت می کند.

۲۲. «ایجاد مشارکت برای کودک»: برای طراحی یک فضای کودکانه مشارکت تمامی کسانی که قرار است از آن استفاده کنند یا به شکلی با نگهداری از آن درگیر هستند بسیار مهم است. درگیر کردن کودکان و مشارکت دادن آنها در طراحی منظر کودکانه موجب ایجاد احساس تعلق در کودکان نسبت به منظر احساس می شود. از سوی دیگر استفاده از خلاقیت بی نظیر کودک در طراحی می تواند زمینه ساز خلق فضائی بسیار متفاوت و جذاب شود که منحصر را برای کودک طراحی شده است.

۲۳. «طبیعت گرایی»: تجربه طبیعت در سال های اولیه زندگی قدرت تخیل و تفکر کودکان را رشد می دهد. این قدرت تفکر محرکی قوی برای یادگیری در تمام سال های زندگیست. در فضاهای بیرونی، حضور طبیعت در مقیاس وسیع و در یک زمینه آزاد، تمرکز کودکان را افزایش می دهد و استرس آنها را کم می کند. چیزی که کودکان از طبیعت به دست می آورند به لحاظ کیفیت با چیزی که از فضاهای داخلی به دست می آورند متفاوت است.

۲۴. «بداعت»: برای اینکه منظر بتواند کودک را به خود جلب کند باید از درجه مناسبی از بداعت

برخوردار باشد. نوظهوری، میل به جستجو در محیط را در کودک ایجاد می کند. اما میزان این بداعت باید به گونه ای باشد که در کودک ایجاد ترس نکند. تعداد و شدت محرک هایی که در منتظر طراحی می شوند باید متناسب با ظرفیت های ادراکی کودک باشند.

۲۵. «پیچیدگی»: محدوده توجه و تمرکز کودکان یا بزرگسالان تفاوت عمده ای دارد. برای اینکه یک منظر برای مدت زمان طولانی کودک را با خود درگیر کند، باید امکانات بسیار متنوعی را به او عرضه کند و از درجه مناسبی از پیچیدگی برخوردار باشد. باید توجه داشت که در صورتی که فضا بیش از حد توانایی ادراکی کودک پیچیده باشد، کودک در فضا احساس ناراحتی می کند.

۲۶. «سرزندگی»: همانگونه که کودکان روحیه بسیار سرزنده و شادابی دارند، فضای شهری که برای آنان طراحی می شود نیز باید بسیار سرزنده باشد. حضور فعال کودکان در منظر خمود را به یک منظر شاداب تبدیل کنند.

۲۷. «هماهنگی»: در واقع طراحی محیط برای کودکان به عنوان یک هنر زمانی موفق است که مکالمه ای دو جانبه با ذهن به وجود آورد، چالش های ذهنی به وجود آورد و بازتاب هایی ایجاد کند. این رابطه معمولاً از تجزیه و تحلیل ناکامل نیروهای موثر، حاصل می شود. ترکیبی که کاملاً هماهنگ و وحدت یافته باشد، ترکیبی خسته کننده خواهد بود. هنرمند موفق کسی است که احساس نظم و وابستگی را القا کند و در همان حال چیزهای غیرمنتظره را در اثر خود وارد سازد (ماتلاک، ۱۳۷۹).

نتیجه گیری و جمع بندی

یک مکان دوستدار کودک محیطی است که کشف و تحقق یابی قابلیت مکان ها را برای انواع فعالیت و تعاملات اجتماعی کودک مقدور سازد، زمینه ساز ایجاد فرصت هایی برای یادگیری از محیط، شکل دادن به ویژگی های فیزیکی مکان به واسطه تقویت

• ارتقاء همکاری اجتماعی و افزایش حس تعلق ساکنین و ایجاد و تقویت پایه های جامعه مدنی از طریق تقویت مشارکت کودکان.

• تقویت اعتماد به نفس در کودکان و تشویق آنان به کار در کنار بزرگتر ها و ایجاد بستری برای داشتن جامعه ای مشارکتی و پایدارتر.

• تقویت مسئولیت پذیری و آموزش کودکان در محیطی سالم با توجه و رسیدگی مسئولان و دست اندر کاران ساخت محیط های شهری.

• ارتقاء منابع مالی و انسانی از طریق جذب مشارکت مردمی و در نتیجه کاهش مشکلات مربوط به مدیریت شهری از طریق مشارکت.

نتایج مطالعات نشان می دهد که برخی از فاکتورهای تاثیرگذار در تعیین میزان وابستگی و علاقه به مشارکت کودکان عبارتند از: جنسیت، سن، خاطرات کودکی، مذهب، سیاست، طبقه اجتماعی، ملیت، فرهنگ، تفاوت های شهری و غیرشهری، روحیات و ارزشها، تحصیلات و فعالیت ها. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که هر علاقه ای منجر به واکنش نمی شود و در واقع افراد راحتی خود را مهمتر از علاقه می دانند. علاقمندی های محلی ممکن است در سطح گسترده ای وجود داشته باشد، ولی به نظر می رسد که آنقدر پتانسیل ندارد که به عمل منجر شود. با انجام آموزشهای لازم می توان علاقه مندیهای ساکنین و افراد محله از حالت بالفعل به حالت بالقوه در آورد. و اگر قرار است محیط تبدیل فضایی ملموس شود تنها از راه آموزش و بخصوص از سطح دبستان امکان پذیر است. می توان اینگونه نتیجه گرفت که نظارت مستمر مسئولان و در نظرگیری جایگاهی برای حضور مسمر ثمر کودکان و گروه های سنی مختلف در فرآیند برنامه ریزی و طراحی شهر ها و توجه به نیاز ایشان و البته تغییر این خواست ها و نیاز ها در طول زمان از مهمترین عوامل تحقق پذیری مشارکت محسوب می شوند. از دیگر موارد قابل توجه در این خصوص می توان به آموزش کودکان در خصوص توجه به محیط

مشارکت کودکان گردید، به کودک، امکان خلق و کنترل قلمروهایی دهد و اسرار و رازهای کودکان را در این مکان ها در خود حفظ کند. مکان دوستدار کودک باعث ایجاد حس مفید و مؤثر بودن چه از بعد روان شناختی و چه از بعد رفتاری در کودکان می گردد. این چنین مکان هایی با برخورداری از برخی قابلیت ها باعث می شوند که کودکان به راحتی قادر به کسب تجارب متنوع و معنا دار در فرایند بلوغ فردی و اجتماعی خود باشند. مکان دوستدار کودک زمینه ای فراهم می کند که کودکان در عین احساس امنیت، به چالش کشیده شوند، در عین محصور بودن در فضایی خصوصی، در بطن جامعه و اجتماع نیز حضور داشته باشند و در عین برآورده شدن نیازهای فعلی، در راستای تأمین نیازهای آتی آنها نیز باشد. با توجه به آنچه آورده شد و بر طبق آنچه از پروژه های شهری بر می آید اقدامات مشارکتی کودکان در سطح پروژه های شهری در حال گسترده تر شدن است. آنچه در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد اتخاذ سیاست ها و برنامه ریزی های محلی انطباق پذیر و پاسخگو به نیاز کودکان و نوجوانان است. چنین امری تنها با یکپارچگی دولت های محلی و تقویت حضور و مشارکت شهروندان، بخصوص گروه های خاص سنی محقق می گردد. بطور کلی بنابر آنچه آورده شد و با توجه به تعریف جامعه دوستدار کودک که در آن جامعه مداری، کودک مداری و رویکرد پایین به بالا در جامعه و التزام رعایت حقوق کودکان بخصوص حق مشارکت ایشان، از نتایج مثبت مشارکت مردمی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

• ارتقاء حس هم نوع دوستی و کمک به کودکان در شناخت سایر اعضا جامعه و کار گروهی با سایرین حتی با باورها و عقاید متفاوت.

• افزایش بازدهی و صرف هزینه های کمتر و ارتقاء احساس مسئولیت کودکان و سایر ساکنین در خصوص محیط پیرامون.

پیرامون و ایجاد احساس مسئولیت در ایشان نسبت به فضاهای که مورد استفاده قرار می دهند، اشاره کرد. نکته حائز اهمیت در رشد ادراکی کودک این است که این رشد، تقابلی از کنش و ادراک محسوب می شود و به صورت چرخه ای همدیگر را پشتیبانی می کنند. با این دیدگاه، تعامل دیالکتیکی ارتباط کودک با مکان مورد تأیید است. مکان، دارای یک ارتباط واسطه یا دوسویه با کودک در ارتباط با رفتار یا تکالیف وی است. کودک برای ارضای برخی خواسته ها و نیازهایش با مکان تعامل می کند. برای اینکه کودک، مکان خاصی را به لحاظ ارزشی به دیگر مکان ها ترجیح بدهد، این مکان می بایست خواسته ها و نیازهای او را ارضا کند و بین کنش و خصوصیات محیطی مربوطه تناسب ایجاد شود. در این حالت کودک برای ارضای نیازهای خود با محیط تعامل می کند. همچنین زمانی که زمینه اجتماعی - اکولوژیکی برای تحقق این قابلیت تقویت می شود، کودکان ممکن است نسبت به مکان احساسات عاطفی شدیدی نشان دهند. موضوع مهم برای مفهوم سازی دوستی با مکان در دوران کودکی

این است که کودکان با مکان هایی روابط عاطفی مطلوبی ایجاد می کنند که خواسته ها و نیازهای آنها را در فرایند رشدشان برآورده کند. مکان دوستی، پیوندی پرمحبت و تأثیرگذار میان مردم به ویژه کودکان و مکان ها است. مکان دوستی، بصورت های متفاوتی ابراز می شود که می تواند زیبایی شناختی، حسی یا عاطفی باشد و حس یک مکان، شامل واکنش عاطفی یا بیولوژیکی به محیط کالبدی و فرهنگی است. در این میان شایان ذکر است که مراحل زیر لازم بنظر می رسد:

۱. توجه به ویژگی های روان شناختی و فیزیولوژیکی کودکان در شهر؛
۲. فراهم سازی امکان حضور کودکان در شهر از طریق طراحی متناسب برای کودکان در حوزه ضوابط و استانداردهای طراحی؛
۳. طراحی اماکن و فضاهایی مختص کودکان در شهر؛
۴. توجه به نقش فضاهای طراحی شده یا برنامه ریزی و مدیریت شهر بر اساس نیازهای روانشناختی و زیست شناختی کودکان به عنوان اصلی ترین



نمودار ۱. بستر سازی مشارکت کودکان در فرایند برنامه ریزی و طراحی شهرها؛

ماخذ: ترسیم نگارنده.

جدول ۶. شاخصهای شهر دوستدار کودک؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

شاخصها	دریسل 1387	Satterthwaite (2004)	Horreli, (2007)	cityfreindly, (2011)	Howard (2006)	Woolcock&Steele. (2008)	Bartlett, (2005)	Chawela (2002)	Woolcock&Steele. (2008)	Driskell, (2002)
ایمنی و امنیت	•	•	•		•	•		•	•	•
انسجام اجتماعی										•
دسترسی به فضای سبز						•	•	•		•
هویت										•
مالکیت زمین										•
عزت نفس	•				•				•	
دسترسی به منابع اقتصادی		•							•	
محیط سالم	•	•						•	•	
دسترسی به خدمات	•		•	•	•	•	•	•	•	•
سرگرمی و تفریح	•	•					•		•	•
ارتباطات مناسب محیط	•	•			•				•	•
تعمیر و نگهداری محیط	•			•			•	•		
تعاملات کودکان	•			•			•	•	•	•
مسرهای دوچرخه و پیاده مداری کودکان	•	•				•	•			
دسترسی به کتابخانه						•				
فضاهای حلاق				•	•					
یادگیری	•				•	•				
مسکن و سکونت			•							
مشارکت و ارزش دهی به کودک	•		•					•	•	•
محیط زیست			•							
حس تعلق و تداوم			•							
محیط پایدار			•							
زندگی خانوادگی مناسب			•							
حقوق کودکان				•						

گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی.

ارائه راهکارها و پیشنهادات

برای بسترسازی حضور جوانان در مدیریت شهرها باید به موارد زیر توجه نمود: در حال حاضر ابتکارات زیادی برای درگیر نمودن کودکان و جوانان در اداره امور محلی، منطقه‌ای، ملی و بین المللی

همراه با پاره‌های پیشنهادات کلیدی برای دولت‌ها در خصوص چگونگی مشارکت معنادار آنان وجود دارد. این رویکرد به ویژه برای تشخیص و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ریزی انجام‌شده جهت حمایت از تغییر سیاست‌های دولتی و سازمانی به کار می‌رود. دولت‌ها برای مرتفع نمودن نیازهای اساسی شهر و تلقی

نمودن جوانان به عنوان شهروند و ثروت حیاتی جوامع خود، به توسعه و افزایش برنامه هایی که در آنها مشارکت بیشتری برای کودکان و جوانان تعریف شده باشد، نیاز دارند. به عبارت دیگر می توان راهکار های زیر را در تسهیل مشارکت کودکان موثر دانست:

۱. تدوین برنامه عملکرد کودکان و جوانان برای دولت محلی با توجه به ویژگی ها و ظرفیت های خاص آن؛
۲. نهادینه سازی فرهنگ مشارکت در اقصاء مختلف جامعه و آموزش های مداوم به گروه های مختلف سنی؛
۳. با توجه به گسترش استفاده از رسانه ها و تاثیر پذیری جوامع از این رسانه ها، می توان با تشویق گروه های مختلف سنی و برنامه ریزی جهت ساخت برنامه های صوتی، تصویری، وب سایت ها و مجلات مختلف جهت معرفی نمونه های موفق مشارکت و اثرات آن همه ی افراد جامعه بویژه کودکان را هر چه بیشتر با فرهنگ مشارکت آشنا نمود؛
۴. تاسیس موسسات رسمی در راستای تحقق اهداف مشارکتی کودکان؛

۵. ایجاد ساختار حمایتی دولت محلی در تمامی سطوح بویژه دولت محلی و نظارت همه جانبه بر اجرا و حمایت از مشارکت فعال کودکان.

منابع و مآخذ

ارجمند نیا، علی اصغر (۱۳۸۰) راهبرد سازمان مشارکت یافته، مدیریت شهری، شماره ۵.
پیاژه، ژان (۱۳۷۶) تربیت به کجا ره می سپارد، ترجمه دکتر منصور و دکتر دادستان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
دریکسل، دیوید (۱۳۸۶) ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان، ترجمه مهنوش توکلی، نشر دیبایه، تهران.
رستگار امیر (۱۳۸۷) راهنمای طراحی شهری دوستدار کودک، نمونه موردی ارتقاء کیفیت بسترهای فضایی واحدهای همسایگی تا مدرسه برای

کودکان ۷ تا ۱۲ سال.

رشیدی، ناصر (۱۳۸۵) مشکلات شیوه های آموزش علوم انسانی در ایران، همایش بررسی مشکلات علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
غمامی، مجید (۱۳۸۰) جایگاه شوراها در برنامه ریزی شهری، شهرداریها، سال چهارم، شماره بیست و هفت.

قاسمی، فرشید و طاهره اقلیدوس (۱۳۸۵) بررسی تاثیر درس آموزش خلاقیت در کودکان بر افزایش خلاقیت دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۱۳، سال چهارم.

قنبریان، منیر (۱۳۸۳) کودک و شهرنشینی، انتشارات سازمان شهرداریها، تهران.

کامل نیا، حامد (۱۳۸۸) دستور زبان طراحی محیط های یادگیری، نشر سبحان نور، تهران.

کامل نیا، حامد؛ حقیر، سعید (۱۳۸۸) الگوهای طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک: نمونه موردی شهر دوستدار کودک بم، باغ نظر، شماره دوازده، سال ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

کرونر، والتر (۱۳۸۵) معماری برای کودکان، ترجمه دکتر احمد خوشنویس و المیرا میر رحیمی، نشر گنج هنر، تهران.

کامل نیا و حقیر (۱۳۸۸) الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک: باغ نظر، شماره ۱۲.

لافون، پی یرلویی رابرت (۱۳۶۹) آنچه باید درباره ریشه های روانی رفتار کودکان خود بدانید؛ ترجمه: محمد حسین سروری، تهران، انتشارات همگام.

لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه: دکتر علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
مطلق زاده، رویا (۱۳۷۹) وسایل بازی کودکان، معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، سازمان زیبا سازی.

Davis, A. & Jones, L. (1996) 'Children in the urban environment: An issue for the new public health agenda', Health and Place, 2:2, pp 107-113.

Davis, A. & Jones, L. (2004) 'Environmental constraints on health: listening to children's views', Health Education Journal, 55:4, pp 363-374.

DeGregori, Alessandro, (2007), Learning environments: Redefining the discourse on school architecture, PHD dissertation in New Jersey Institute of technology, Retrieved March 12, 2007, from <http://proquest.umi.com>

Egretta Sutton, Sh. & Kemp, P. (2002). Children as a partner in neighborhood place making, Journal of Environmental Psychology, 22, 171-189. Lorenzo Ray - Francis Mark. Seven Realms of Children Participation", University of California, Davis, U.S.A. Milano, Italy 2002

Gils, J. Van - European Networks, Children Friendly Cities Chairman ENCFC 30/10/2006

Mayor of London-Children's and Young People Units- "Making London Better for All Children and Young People"- 2003 -available on: www.london.gov.uk



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵

No.44 Autumn 2016

■ ۲۷۸ ■